

Received: 2022/4/16

Accepted: 2022/11/9

from 101 to 121

Salman Rezvankhah

Assistant Professor of Farhangian University, Alborz Province.

Corresponding author
s.kh.yass@gmail.com

Sussan Keshavarz

Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ss.keshavarz@yahoo.com

Keywords:

Basics of Anthropology, educational implications, Peaceful Coexistence, Tafsir Al-Mizan, Conceptual Model.

Counting and examining the anthropological foundations of peaceful coexistence from the perspective of Allameh Tabatabai in the interpretation of Al-Mizan and its educational implications; Provide a conceptual model

Abstract

Nowadays, one of the problems that people encounter is their inability to coexist peacefully. As the most perfect religion, Islam has plans to achieve this peaceful coexistence. One of the authentic and original texts of Islam is the Holy Quran, and what is obvious is that the best way to receive the teachings of the Holy Quran is to refer to authentic interpretations. Among these authentic interpretations that have a social and educational perspective is Al-Mizan's interpretation. In this regard, the aim of the current research is to achieve a conceptual model of peaceful coexistence based on the anthropological foundations of Allameh Tabatabai underlining the interpretation of al-Mizan. To achieve this aim, the integrated research method has been employed to answer the first research question, the conceptual analysis method was used. In response to the second research question, the theoretical comparison method was used, and in response to the third research question, the practical comparison method was used. The findings of the research refer to six anthropological bases, six educational goals, and seven educational methods, and the relationship among the above bases, goals, and educational methods is set as a conceptual model.

احصاء و بررسی مبانی انسان‌شناختی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و دلالت‌های تربیتی آن؛ ارائه‌ی یک الگوی مفهومی

سلمان رضوان خواه

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه
فرهنگیان فارس. (نویسنده مسئول)
s.kh.yass@gmail.com

سوسن کشاورز

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت
دانشگاه خوارزمی
ss.keshavarz@yahoo.com

چکیده

ناتوانی افراد در همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از مشکلاتی است که امروزه دامن‌گیر آنان شده است. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، برای دستیابی به این همزیستی مسالمت‌آمیز برنامه‌هایی دارد. قرآن کریم یکی از متون متقن و دست‌اول اسلام است و بهترین روش دریافت آموزه‌های قرآن کریم مراجعه به تفاسیر معتبر است. تفسیر المیزان از جمله‌ی این تفاسیر معتبر است که نگاهی اجتماعی و تربیتی دارد؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر دستیابی به یک الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی علامه طباطبایی و با تأکید بر تفسیر المیزان است. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش تلفیقی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که برای پاسخ به پرسش اول پژوهش از روش تحلیل مفهومی، در پاسخ به سؤال دوم پژوهش از روش قیاس نظری و در پاسخ به سؤال پرسش پژوهش که از روش قیاس عملی بهره گرفته شده است. در نهایت، یافته‌های پژوهش به شش مبنای انسان‌شناختی و شش هدف تربیتی و هفت روش تربیتی اشاره دارد که ارتباط مبانی، اهداف و روش‌های تربیتی بالا به‌صورت یک الگوی مفهومی تنظیم شده است.

واژگان کلیدی:

مبانی انسان‌شناسی، دلالت‌های
تربیتی، همزیستی مسالمت‌آمیز،
تفسیر المیزان، الگوی مفهومی.

۱- بیان مسئله

به علت وجود افراد مختلف از اقوام متفاوت در کشورهای چندفرهنگی و به تبع آن، تفاوت در نوع دیدگاه‌ها و نحوه‌ی زندگی آنان، ایجاد تعامل میان اقوام گوناگون یکی از مسائل مهم در این‌گونه جوامع است، به‌نحوی که بتوانند با صلح و آرامش و بدون اختلاف‌نظرهای مشکل‌ساز و دغدغی‌خاطر در کنار یکدیگر زندگی کنند. برای رسیدن به این هدف، سازمان‌های متولی امر تعلیم و تربیت موظف‌اند، آموزش‌هایی درباره‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز به افراد آن جامعه ارائه دهند.

پرداختن به آموزش مؤلفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز باعث می‌شود که افراد بتوانند با آرامش و امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند و علاوه بر اینکه خود به این مؤلفه‌ها عمل می‌نمایند و نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز را در میان نسل جوان به‌وجود می‌آورند، می‌توانند با انتقال این مؤلفه‌ها به بزرگسالان و والدین که بعضاً ممکن است به علت وجود تعصبات قومی، مذهبی و اقتصادی با سایر اقشار جامعه اصطکاک دارند، آنان را نیز با خود همراه کنند. حضور افراد خودرأی که هیچ‌گونه انعطافی ندارند- آن‌گونه که تجربه ثابت کرده است- مشکلات جوامع به‌ویژه جوامع چندفرهنگی را بیشتر کرده است؛ بنابراین، ضرورت آموزش مهارت‌هایی مانند پرهیز از خشونت، یادگیری همدلانه، مدارا و شکیبایی، برقراری ارتباط و سایر مؤلفه‌های همزیستی امری ضروری و مهم به‌نظر می‌رسد.

موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز ازجمله موضوعات مهمی است که در دین مبین اسلام و نیز در اندیشه‌ی مفسران بزرگ قرآن کریم همچون علامه طباطبایی به آن توجه شده است. «انسان در صورتی می‌تواند به کمالات نوعی خود برسد و در زندگی سعادت‌مند شود که با سایر افراد تشکیل اجتماع دهد و در انجام اعمال حیاتی که انواع و اقسام بسیاری دارد و یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند همه‌ی آن‌ها را انجام دهد، با دیگران همکاری نماید. این امر انسان اجتماعی را نیازمند به قوانین و مقرراتی می‌سازد که حافظ حقوق افراد باشد و بهره‌ی هرکسی را از مزایای جامعه مشخص نمایند» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ همچنین وی اشاره می‌کند، «آیین مقدس اسلام یک روش کامل اجتماعی است و بدیهی است که سلامت کامل یک جامعه و بزرگ‌ترین آرزوی افراد این است که منافع حیاتی آنان تأمین گردد و از کشمکش‌ها و تجاوزهایی که زندگی و صفای آن را تهدید می‌کند، به‌قدر امکان جلوگیری شود تا انسان‌ها بتوانند با خیال آرام در شاهره تکامل به سیر خویش ادامه دهند» (همان، ۱۳۸۷، ص ۳۰۲).

۲- پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به اهمیت این موضوع و همسو با آن، پژوهش‌هایی در داخل و خارج انجام‌گرفته است که به‌طور مختصر مرور می‌گردد.

رضوان‌خواه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش «مبانی ارزش‌شناختی آموزش همزیستی برای بهبود نظام آموزش و پرورش ایران با توجه به مطالعات تطبیقی» که با روش تحلیل تطبیقی انجام‌گرفته، نشان دادند که برخی از مبانی ارزش‌شناختی آموزش همزیستی نظیر آزادی عقیده و فکر و همچنین

حفظ کرامت انسانی در نظام آموزش و پرورش چین و کانادا جایگاه مهمی دارند؛ همچنین روش‌های متنوعی برای آموزش همزیستی در این دو کشور وجود دارد که در تعامل میان افراد و گروه‌های کلاسی استفاده میشوند.

امیری در پژوهش خود با عنوان «نسبت قرآن و نهج‌البلاغه با اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز» که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، با پی‌جویی پرسش «چه آموزه‌هایی در قرآن و نهج‌البلاغه به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌پردازند؟» موفق شد نتایجی را به دست آورد که دین اسلام راهکارهایی همچون ترویج حقوق بشری و مساوات انسانی و تحریم اسباب نزاع و جنگ را برای همزیستی مسالمت‌آمیز دارد (امیری، ۱۳۹۷).

فوزی در پژوهشی با عنوان «بنیان‌های صلح و همزیستی در اندیشه‌ی اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)» بر آن بود که بنیان‌های نظری اولویت دادن به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) را بررسی کند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اصالت صلح مثبت و همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌المللی بنیان‌های محکم انسان‌شناسانه، کلامی، عرفانی و فقهی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی دارد (فوزی، ۱۳۹۶).

آندرادس (Andrades) و همکاران در پژوهش خود با عنوان «جایگاه خانواده (ها) در مطالعات مربوط به همزیستی مدارس در شیلی»، به بررسی کمی مقالاتی انجام شده درباره‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز در شیلی می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند، توجه چندانی به خانواده (ها) به‌عنوان عامل فعال آموزشی در مطالعات همزیستی مدارس در شیلی وجود ندارد. این امر خانواده (ها) را نامرئی می‌کند و از مسئولیت و امکان مشارکت آنان به‌عنوان عوامل فعال در فرایندهای سازنده و تعاملی همزیستی مدرسه و روند آموزشی نسل‌های جدید می‌کاهد که مسئولیت آنان را بر عهده دارد (Andrades & els, 2020).

گامال (Gamal) و همکاران در پژوهش خود با عنوان «تأثیر همزیستی مدرسه بر عملکرد تحصیلی با توجه به درک دانش‌آموزان با رشد معمولی و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه»، به روش مطالعه‌ی توصیفی از نوع همبستگی نشان می‌دهند که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه‌ی آموزشی تقریباً در هر بعد تحلیل شده، درک مطلوبی ندارند، به‌ویژه در جنبه‌های مربوط به قربانی شدن مدرسه، پرخاشگری و بی‌انضباطی. به همین ترتیب، آنان درک می‌کنند که شبکه‌ی اجتماعی هم‌تا و همچنین تعدیل هنجاری محدود و درک کمتری درباره‌ی مهارت‌های بین فردی مثبت خود دارند (Gamal & els, 2018).

گراو روسر (Grau Roser) و گارسیا راگا (García-Raga) همچنین در پژوهشی با عنوان «یادگیری برای زندگی باهم: چالشی برای مدارس در معرض زمینه‌ی آسیب‌پذیری اجتماعی»، به اجرای یک برنامه‌ی اجتماعی-فرهنگی در شهر والنسیای (اسپانیا) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد، معلمان و دانش‌آموزان تأکید می‌کنند که ادامه‌ی کار بدین منظور، برای سرمایه‌گذاری در ایجاد یک مدرسه‌ی دموکراتیک که بر پایه‌ی همزیستی و مشارکت استوار باشد، ضروری است (Roser & Raga, 2017). گراو روسر و همکاران پژوهشی با عنوان «ارزیابی یک برنامه‌ی همزیستی از دیدگاه دانشجویان

و معلمان» انجام داده‌اند که هدف آن ارزیابی تأثیر برنامه‌ای است که در یک مرکز آموزشی واقع در محله‌ای آسیب‌پذیر از شهر والنسیا (اسپانیا) تهیه شده است و پژوهش نیمه‌آزمایشی، پیش‌آزمون-پس‌آزمون با یک گروه کنترل است که در مجموع، ۱۰۹ معلم و دانش‌آموز را درگیر کرده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده موفقیت برنامه‌ی اعمال‌شده مطابق با درک معلمان و دانش‌آموزان درگیر است که می‌گویند همه‌ی راهکارهای برنامه به‌طور چشمگیری همزیستی مدارس را بهبود بخشیده است (Roser & els, 2016).

برخی پژوهش‌های دیگر همچون فتحی و اجارگاه و دیگران (۱۳۸۷)، هاشمی (۱۳۸۸)، حاجی‌زاده و دیگران (۱۳۹۳) و فلاح نودهی (۱۳۸۸) پرداختن به چنین موضوعی به‌ویژه در ایران را موجد رشد و پیشرفت می‌دانند و از سوی دیگر، حکایت از آن دارد که ایران بنا به داشتن قومیت‌های مختلف و نیز قرار گرفتن در معرض مشکلات مربوط به همزیستی مسالمت‌آمیز، موقعیت حساسی دارد. بررسی اجمالی نتایج تحقیقات پیشین پژوهش بیانگر وجود خلأ درباره همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام است و جنبه‌ی نوآورانه بودن این پژوهش را نشان می‌دهد. اغلب پژوهش‌های بررسی‌شده به توصیف وضعیت موجود در مدارس مطالعه‌شده پرداخته‌اند؛ اما به‌جز پژوهش گرانو روسر و همکاران (۲۰۱۶)، پژوهش‌های دیگر برنامه‌ی تجویزی مدونی برای بهبود وضعیت همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه و محیط‌های آموزشی نداشته‌اند. علاوه بر این، پژوهشی مشاهده نشد که به بحث دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز در نگاه علامه طباطبایی (ره) و به‌طور خاص تفسیر المیزان پرداخته باشد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با در نظر داشتن موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز در نگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با توجه به مبانی انسان‌شناسی، درصدد ارائه‌ی الگویی مفهومی برای همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر دیدگاه انسان‌شناسی است.

۳- پرسش‌های پژوهش

- ۱-۳- مبانی انسان‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی کدام‌اند؟
- ۲-۳- اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر علامه طباطبایی کدام‌اند؟
- ۳-۳- روش‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی کدام‌اند؟

۴- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به تمایل امروز حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی به روش‌های ترکیبی (باقری، ۱۳۸۹) و با توجه به اینکه پژوهش‌های کیفی ماهیتاً چندروشی و متضمن رویکرد تفسیری به موضوع مورد مطالعه هستند (گال و دیگران، ۱۳۸۶) و برای کشف مضامین و روابط به‌کار می‌روند و جنبه‌ی اکتشافی دارند و بر مطالعه‌ی عمیق متمرکزند، روش تحقیق در این موضوع روش ترکیبی است؛ زیرا در آن از روش‌های تحلیل محتوای کیفی، قیاس نظری و قیاس عملی استفاده شده است. نخست، به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، تفسیر المیزان به‌طور کیفی تحلیل شد. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب

با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). فیلیپ استون معتقد است، تحلیل محتوا روشی است که به گونه‌ای عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصات ویژه را از یک پیام کشف می‌کند (Stone, 1996, P.5). تحلیل مفهومی کارکردهای دارد که یکی از آن‌ها توصیف دقیق مفاهیم است. در این کارکرد، تحلیل می‌تواند توصیف دقیقی فراهم آورد از اینکه مفاهیم استفاده‌شده‌ی ما از چه ویژگی‌هایی برخوردارند. این خود می‌تواند به روشن‌بینی در تفکر بینجامد (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴). گفتنی است، در روش قیاس، در بخش قیاس نظری هر دو مقدمه توصیفی هستند و نتیجه‌ی آن هم توصیفی و بیانگر امری است که تحقق آن مستقل از تصمیم یا عمل فرد است، این در حالی است که در قیاس عملی یکی از گزاره‌ها توصیفی و دیگری تجویزی است و نتیجه‌ی آن نیز اشاره به یک تصمیم عملی دارد و تجویزی است (باقری، ۱۳۸۷). بر اساس این کارکرد، در پاسخ به پرسش اول با استفاده از روش تحلیل مفهومی، مفاهیم مرتبط با همزیستی مشخص و به احصای مبانی انسان‌شناسی اقدام شد. برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش نیز با استفاده از قیاس نظری، از مبانی انسان‌شناسی (گزاره‌ی توصیفی)، اهداف تربیتی (گزاره‌ی تجویزی) استنتاج گردید. در ادامه، برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش، با استفاده از روش قیاس عملی، روش‌های تربیتی (گزاره‌ی تجویزی) از اهداف تربیتی استنتاج شد. برای تبیین بیشتر روش‌شناسی، به یک نمونه از چگونگی استنتاج اهداف از مبانی انسان‌شناسی و نیز استنتاج روش‌های تربیتی از اهداف تربیتی اشاره می‌شود (جدول شماره ۱).



گزاره‌ی توصیفی (مبنای انسان‌شناسی)	گزاره‌ی تجویزی (هدف تربیتی)	گزاره‌ی تجویزی (روش تربیتی)
انسان مدنی بالطبع بودن است.	چون انسان مدنی بالطبع است، پس باید شایستگی حضور در اجتماع را کسب کند.	برای کسب شایستگی حضور در جمع، باید از طرد اجتماعی متریبان پرهیز کرد.

جدول شماره ۱. شیوه‌ی استنتاج اهداف تربیتی از مبانی انسان‌شناسی و استنتاج روش‌های تربیتی

از اهداف تربیتی به روش قیاس نظری و عملی

۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا مبانی انسان‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی بررسی می‌شود؛ سپس اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز مطالعه می‌گردد. هر هدف از یک مبنای انسان‌شناسی نتیجه شده است. پس از آن، به روش‌های تربیتی نیل به هر هدف توجه می‌شود. توجه به مبانی انسان‌شناسی بدان سبب مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است که بنیان‌پیدایش اهداف و روش‌ها مشخص باشد؛ زیرا وجود تکیه‌گاهی چون مبانی انسان‌شناسی اعتباری برای

سایر دلالت‌های تربیتی استنتاج‌شده خواهد بود. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ابتدا مبانی انسان‌شناسی بررسی می‌شود و برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش، به سبب درهم تنیدگی اهداف و روش‌های تربیتی، بررسی این دلالت‌ها به صورت توأمان صورت می‌گیرد.

۱-۵- مبانی انسان‌شناسی

مبانی انسان‌شناختی آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی مدلل درباره‌ی واقعیت وجود انسان هستند که از متون معتبر اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی استخراج شده‌اند و باید آن را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه‌ی فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه‌ی تربیت با رویکرد اسلامی دانست (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۱). در ادامه، به احصا و بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، درباره‌ی مبانی انسان‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز پرداخته می‌شود. این مبانی (به‌عنوان گزاره‌هایی توصیفی از ویژگی‌های انسان)، مقدمه‌ای برای استنتاج اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز به روش قیاس عملی خواهند بود.

۱-۱-۵- انسان مدنی بالطبع است.

انسان به علت نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او به صورت چشمگیری (به‌ویژه در آغاز زندگی) در عرصه‌ی زندگی اجتماعی ساخته‌وپرداخته می‌شود... البته باید توجه داشت که از منظر اسلام، دیدگاه فردگرایانه و جامعه‌گرایانه مورد تأیید نیست، بلکه به دیدگاه معتدل و بینابینی توجه می‌شود که به فرد و جامعه، هر دو اهمیت می‌دهد. به سخن دیگر، فرد و اجتماع بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و سرنوشت این دو به هم گره‌خورده است (همان، ص ۷۰-۷۱). علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: انسان در میان همه‌ی جانداران، موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب به بحث فراوانی احتیاج ندارد؛ زیرا فطرت همه‌ی افراد انسان چنین است؛ یعنی فطرت همه‌ی انسان‌ها این معنا را درک می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان، در آیات بسیاری از این حقیقت خبر داده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۴۴).

۲-۱-۵- برخورداری از توانایی تعقل و قضاوت

عقل آن قوه‌ای است که به‌وسیله‌ی آن، خیر از شر و حق از باطل تمایز می‌یابد (همان، ج ۲، ص ۳۷۴). از نظر علامه، دأب و رسم قرآن بر ذکر علل و اسباب تعلیماتش است و از اطاعت و تقلید کورکورانه و بدون علت نهی می‌کند و اینکه خدای تعالی به یادآوری این نعمت دستور می‌دهد، اساسش رسم و عادت است که قرآن کریم دارد و آن این است که تعلیمات خود را با ذکر علل و اسباب بیان نموده (همان، ج ۳، ص ۵۷۲). ایشان معتقد است، عقل عامل تمایز انسان از سایر آفریده‌ها و نیرویی است که به‌وسیله‌ی آن می‌توان حق و باطل و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص داد. به همین سبب است که اساس همه‌ی مفاسد اجتماعی و فردی در تحلیل نهایی اعمالی است که به بطلان حکومت عقل منجر می‌شوند (همان، ج ۳، ص ۲۸۳). علامه با تأکید بر پرهیز از هواهای نفسانی، در واقع بر همراهی عقل با شرع تأکید می‌کند و می‌نویسد: چه در انسان و چه در جامعه باید عقل حکومت نماید و نه هواهای

نفسانی (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

۱-۳- آزادی انسان در اندیشیدن و پذیرش اندیشه‌ها

خداوند انسان را موجودی آزاد و انتخاب‌گر آفریده است و این آزادی در ذات اوست. در حقیقت، اگر آزادی از انسان گرفته شود، انسانیت از او گرفته شده است. چگونگی آفرینش حضرت آدم و حضرت حوا و تناولشان از شجره‌ی ممنوعه برخلاف دستور صریح خداوند گواه این مدعاست (بقره: ۳۵).

علامه طباطبایی در توضیح تفکر آزاد و رفع موانع آن می‌نویسد: در طرز تفکر خود آزادند، به همان معنایی که برای آزادی کردیم و این گونه از آزادی به ما اجازه نمی‌دهد که نظریه‌ی شخصی خود را و یا شبهه‌ای را که داریم، پیش از عرضه به قرآن و به رسول خدا (ص) و به پیشوایان هدایت، در میان مردم منتشر کنیم؛ زیرا انتشار دادنش در چنین زمانی، در حقیقت دعوت به باطل و ایجاد اختلاف میان مردم است، آن‌هم اختلافی که کار جامعه را به فساد می‌کشاند و این طریقه بهترین طریقه‌ای است که می‌توان به وسیله‌ی آن امر جامعه را تدبیر و اداره کرد؛ چون هم در تکامل فکری را بر روی جامعه باز می‌گذارد و هم شخصیت جامعه و حیات او را از خطر اختلاف و فساد حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸ ج ۴، ص ۲۰۷)؛ همچنین علامه به‌طور خاص، درباره‌ی رفع موانع تفکر آزاد می‌نویسد: حتی خداوند متعال ایمان را هم بر انسان‌ها تحمیل نمی‌کند تا انسان به واسطه‌ی تشخیص عقل خود و از روی اختیار خود آن را برگزیند، چنان‌که می‌فرماید: «و بگو حق از سوی پروردگارتان است. هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد و هرکس می‌خواهد کافر شود» (کهف: ۲۹)؛ زیرا هیچ اکراهی در دین نیست (همان، ج ۲، ص ۵۲۳).

دین اسلام هیچ‌گاه با رویکرد انحصارگرایی دینی، پیروان ادیان دیگر را مجبور به پذیرش اسلام نکرده است، بلکه ادیان، اعتقادات و باورهای آنان را به رسمیت شناخته است. مرتضی مطهری، از شاگردان برجسته‌ی علامه طباطبایی، در این باره می‌نویسد: هر مکتبی به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد و اعتماد داشته باشد، به‌ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد. برعکس، مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۹).

۱-۴- وجود تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها

خداوند انسان‌ها را با وجود اشتراکات بسیار، در نوع استعدادها و عواطف و علائق طبیعی، فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و اراده و اختیار، دارای برخی خصوصیات- بالفعل و بالقوه- متفاوت (جسمی، فکری، جنسی/جنسیتی) آفریده است. بر اساس این تفاوت‌ها، چگونگی و میزان مسئولیت و نیز گستره‌ی زمینه‌ها، امکانات و فرصت‌های تکامل یا تنزل در انسان گوناگون است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۶۷). علامه در این باره معتقد است که در عالم انسانی، نوعی تفاوت وجود دارد که از آن گریزی نیست و آن تفاوت در طبیعت‌های افراد است که منشأ بنیه‌ها می‌شود. ترکیبات بدنی در افراد متفاوت است و تفاوت در ترکیبات بدنی موجب تفاوت در استعدادهای جسمی و روحی می‌گردد و این نوع تفاوت‌ها به همراه تفاوت‌های ناشی از عوامل محیطی سبب ظهور اختلاف در سلیقه‌ها و آرزوها و اعمال انسان‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۸۱). اختلافی که در آفرینش آنان دیده می‌شود که شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله هستند،

تنها به این منظور در میان آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده، نظام بپذیرد و ائتلاف در بینشان تمام گردد؛ چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف (همان، ج ۱۸، ص ۴۸۸).

۵-۱-۵- گرایش فطری انسان‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز

علامه درباره‌ی این گرایش فطری انسان معتقد است: فطرت اقتضا دارد که همه‌ی نوع بشر در یک مجتمع گرد هم آیند؛ زیرا این معنا ضروری و بدیهی است که طبیعت دعوت می‌کند به اینکه قوای جدا از هم دست به دست هم دهند و با تراکم یافتن تقویت شوند و همه یکی گردند تا زودتر و بهتر به هدف‌های صالح برسند (همان، ج ۴، ص ۱۹۷). علامه طباطبایی در توضیح آیه‌ی ۲۱۶ سوره‌ی بقره می‌نویسد: تربیت‌شدگان قرآن حتی از آزار یک مورچه هم پرهیز دارند و نسبت به همه‌ی خلایق رأفت و مهر می‌ورزند. چنین کسانی البته از جنگ و خونریزی کراهت دارند، هرچند دشمنانشان کافر باشند، بلکه دوست دارند با دشمنان هم به مدارا رفتار کنند و آمیزشی دوستانه داشته باشند.

۵-۱-۶- برابری انسان‌ها در آفرینش

همه‌ی افراد بشر از یک اصل (آدم و حوا) نشأت گرفته‌اند. به لحاظ اصل آفرینش، هیچ انسانی بر انسان دیگر فزونی و برتری ندارد؛ بنابراین، تفاوت‌های طبیعی (نژادی، قومی، جنسی، وراثتی و غیره) موجود میان انسان‌ها بر مبنای حکمت الهی و صرفاً برای شناسایی آدمیان است که نمی‌تواند به‌خودی‌خود معیار هیچ‌گونه برتری باشد (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۶۳). علامه معتقد است، در اسلام، افراد اجتماع همه نظیر هم هستند. چنین نیست که برخی بر برخی دیگر برتری داشته باشند و یا بخواهند برتری و تفاخر کنند. تنها تفاوتی که میان مسلمین هست، همان تفاوتی است که قریحه و استعداد اقتضای آن را دارد و از آن ساکت نیست و آن تنها و تنها تقوا است که زمام آن به‌دست خدای تعالی است؛ نه به‌دست مردم و این خدای تعالی است که می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، بی‌تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست» (حجرات: ۱۳). با این حساب در رژیم اجتماعی اسلام، میان حاکم و محکوم، امیر و مأمور، رئیس و مرئوس، حر و برده، مرد و زن، غنی و فقیر صغیر و کبیر و... هیچ تفاوتی نیست؛ یعنی از نظر جریان قانون دینی، در حقیقت برابری و همچنین از جهت نبود تفاضل و فاصله‌ی طبقاتی در شئون اجتماعی، در یک سطح و در یک افق‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۹۵).

۶- اهداف و روش‌های تربیتی

در ادامه و برای پاسخ به پرسش‌های دوم و سوم پژوهش، اهداف و روش‌های تربیتی به‌صورت مرتبط با یکدیگر برای نیل به یک الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی بررسی می‌شوند.

۶-۱- هدف تربیتی: کسب شایستگی حضور در اجتماع

این هدف تربیتی با استفاده از قیاس نظری، از مبنای «انسان مدنی بالطبع است» استنتاج شده است. موضوع این هدف کسب شایستگی‌های زندگی در میان متربیان است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگران بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف و مسئولیت اقدام کند. در این هدف تربیتی، مقصود آشنا ساختن متربیان با روحيات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و آنگاه پرورش روحیه‌ی تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش است.

با توجه به این هدف تربیتی است که علامه از تفکر اجتماعی به‌عنوان راه‌حل اختلافات بشری سخن می‌گوید و معتقد است، افراد جامعه باید همواره به نفع اجتماع فکر کنند و از خودخواهی بپرهیزند و در اقدام به هر کار یا تصمیمی، پیش از نفع خود، مصالح و منافع جامعه را در نظر بگیرند و هرگز به کاری اقدام نکنند که به ضرر جامعه است، حتی اگر برای خودشان سود داشته باشد (همان، ج ۱۰، ص ۵۵)؛ بنابراین، مریبان در دستیابی به این هدف باید توجه داشته باشند که کسب شایستگی به این معناست که از یک‌سو، متری بتواند با جامعه و اعضای جامعه تعامل و مشارکت فعال داشته باشد و از سوی دیگر، ضمن حفظ ویژگی‌های فردی، در رشد فردی خود نیز بکوشد و مانع از استحلال شخصیت فردی‌اش در گروه و جامعه شود (صادق‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۵) و همچنین با مشارکت فعال در جامعه، به رشد و کمال جامعه نیز کمک کند.

۶-۱-۱- روش تربیتی پرهیز از طرد اجتماعی دیگران

اگر گروهی از متربیان همواره از مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها طرد شوند، هیچ‌گونه احساس مؤثر بودن نخواهند داشت و حالتی از بی‌اعتنایی در آنان شکل می‌گیرد که موجب می‌گردد فرد از جریان جامعه خارج شود. این افراد که همواره خودشان را در حاشیه می‌بینند و خود را غریبه می‌انگارند، ناگزیر در برابر گروه‌های دیگر صف‌بندی می‌کنند و هویت جدیدی را شکل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، این مطرودان دیگران را رقیب خود می‌پندارند و حالتی از کشمکش و ناسازگاری در میان آنان ایجاد می‌شود. بر اساس این روش، خداوند رسول مکرم اسلام را به پرهیز از طرد مؤمنان توصیه نموده و به تأثیر این روش در اثرگذاری جامعه و دستیابی افراد به آرامش اشاره کرده است. علامه در این‌باره می‌نویسد: خداوند رسول‌الله را نهی می‌فرمود از اینکه مؤمنین را از خود طرد نماید و امر می‌کند به اینکه با ایشان ملاطفت نموده و بر آنان سلام کند و کسی را که از آنان توبه‌ی خلل‌ناپذیر کند، به مغفرت و رحمت خدا بشارت دهد تا دل‌هایشان گرم و اضطراب درونی‌شان مبدل به آرامش و سکونت شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۴۸)؛ بنابراین، مطابق این روش تربیتی، مریبان از سویی باید خود مواظب باشند که هنگام فعالیت تربیتی به همه‌ی متربیان توجه داشته باشند و خود در دام این مشکل اجتماعی نیفتند و از سوی دیگر، به متربیان نیز بیاموزند که پرهیز از طرد اجتماعی دیگران چطور می‌تواند به همزیستی مسالمت‌آمیز و دوری از کشمکش و ناسازگاری کمک کند.

۶-۱-۲- روش تربیتی توصیه به همدلی و همدردی با دیگران

همدلی و همدردی متربیان با یکدیگر قطعاً می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرک برای برقراری روابط تأثیرگذار میان آنان استفاده شود. نمونه‌ی بارز آن، همدردی خداوند تجرُّالکسیر^۱ و فرشتگان او با پیامبر اکرم (همان، ج ۱۲، ص ۵۳۸؛ ج ۱۳، ص ۲۰۴؛ ج ۷، ص ۳۶۱ و ج ۱۵، ص ۵۵۵) و یا سایر انبیا (همان، ج ۱۰، ص ۳۶۳ و ۵۰۳) در مواردی است که ایشان با مشکلات و گرفتاری‌ها یا بن‌بست‌هایی مواجه می‌گردیدند. علامه در این رابطه و در تفسیر آیه‌ی «وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸) می‌نویسد: می‌توان گفت خفض جناح عبارت است از صبر و خویش‌داری و سازگاری با مؤمنان و این صبر با این معنا مناسب دارد که کنایه باشد از زیر بال مؤمنین گرفتن و همه‌ی هم خود را مصروف و منحصر در معاشرت و تربیت و تأدیب ایشان به آداب الهی کردن و یا کنایه باشد از ملازمت با آنان و تنها نگذاشتن و جدا نشدن از ایشان (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۸۴).

۶-۲- هدف تربیتی: تحقق عدالت تربیتی

این هدف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز که از مبنای «برابری انسان‌ها در آفرینش» استنتاج شده است، نشان می‌دهد که باید تلاش شود که گروه‌ها و اقوام و طبقات مختلف جامعه از فرصت‌های تربیتی عادلانه برخوردار گردند؛ زیرا «عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است که معیار آن رعایت حقوق افراد، متناسب با وسع و ویژگی‌های آنان است» (صادق‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۱). اگر عدالت و برابری میان گروه‌ها برقرار نگردد، با اعمال قدرت و فشار گروه نیرومندتر، همزیستی تحمیلی میان گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد که در آن، گروه ضعیف‌تر مقهور می‌شود و با اکراه سازش را می‌پذیرد و چون در این سازش احقاق حقوق صورت نگرفته است، احتمال خشونت و کشمکش وجود دارد.

این هدف در دیدگاه علامه با عبارت «ایفاء به قسط» عنوان شده است و منظور از آن، عمل به عدالت بدون هرگونه اجحاف است. در ضمن، اعتقاد علامه این است که ایفاء به قسط تکلیفی است که هر کس به‌اندازه‌ی وسع و طاقت خویش بر عهده دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۵۱۸). صاحب‌المیزان همچنین در تحقق عدالت، به تربیت «قوامین به قسط» نیز توجه داشته و معتقد است، قوامین به قسط کسانی هستند که در کامل‌ترین معنا، قائم به قسط و عدالت هستند؛ یعنی نهایت مراقبت را به خرج می‌دهند تا تحت تأثیر هوای نفس یا عواطف، از راه وسط -عدالت- منحرف نشوند. از نظر ایشان، یکی از پیامدهای این قیام به قسط پیروزی حق و دوام جامعه است (همان، ج ۵، ص ۱۷۵-۱۷۷)؛ بنابراین، مرحوم علامه در تحقق این هدف تربیتی به دو سطح توجه دارد؛ در سطح اول، پرورش افرادی مطمع نظر است که در حد وسع خویش «عامل به عدالت» باشند و در سطح دوم که فراتر از سطح اول است، پرورش افرادی مدنظر است که «قائم عدالت» باشند.

۱- جبران حال دل‌شکستگان (دعای عرفه).

۶-۲-۱- روش تربیتی: رعایت حقوق انسانی همه‌ی گروه‌ها و طبقات

این یک امر مسلم و آشکار است که باید به متربیان که به واسطه‌ی عواملی چون نژاد، قوم، مذهب، زبان، فرهنگ، رنگ و جنس، توانایی‌ها و ویژگی‌های روحی و جسمی و روحی متمایز از دیگران هستند، به دیده‌ی احترام نگریست. این جهات نباید دستاویزی برای اتخاذ رویکردهای تبعیض‌آمیز در برابر آن‌ها قرار گیرد. احترام به این حق مستلزم آن است که ضمن توجه و احترام به هویت، دیدگاه‌ها، باورها، فرهنگ و نیز سبک زندگی متفاوت اقلیت‌ها، این گروه از افراد در برخورداری از حقوق برابر با اکثریت جامعه محروم نگردند. البته ذکر این نکته لازم است که رعایت حقوق اقلیت‌ها منافات ندارد با اینکه بعضی از طبقات و یا برخی از افراد از یک طبقه به سبب مصالحی، از پاره‌ای مزایا برخوردار و یا از پاره‌ای امتیازات محروم باشند؛ مثلاً مردان در اسلام بتوانند قاضی و حاکم شوند و به جهاد بروند و بر آنان واجب باشد نفقه‌ی زنان را بدهند و احکام دیگری از این قبیل خاص آنان باشد و زنان از آن‌ها محروم گردند و نیز کودکان نابالغ اقرارشان نافذ نباشد و نتوانند مستقلاً معامله کنند و مکلف به تکالیف اسلام نباشند...؛ پس همه‌ی این تفاوت‌ها ویژگی‌های احکامی است که متوجه طبقات و اشخاصی از مجتمع می‌شود و علتش اختلافی است که در وزن اجتماعی آنان وجود دارد، در عین اینکه همه در اصل داشتن وزن انسانی و اجتماعی شریک‌اند؛ چون ملاک در داشتن اصل وزن، انسان بودن و دارای فکر و اراده بودن است که در همه هست (همان، ج ۴، ص ۴۰۶).

۶-۳- هدف تربیتی: تحقق آزاداندیشی و پذیرش آزادانه‌ی اندیشه‌ها

اگر «انسان‌ها در اندیشیدن و پذیرش اندیشه‌ها آزاد هستند»، پس مریبان باید یکی از اهداف تربیتی خود را تحقق آزاداندیشی و آزادی در پذیرش اندیشه‌ها قرار دهند. این هدف تربیتی، نشان می‌دهد که متربیان در مواجهه‌ی با دیگران باید از یک‌سو، خود در پذیرش آرای دیگران آزادی داشته باشند و از سوی دیگر، به آزادی دیگران در پذیرش آزادانه‌ی آرا و اندیشه‌ها توجه کنند. در این باره علامه می‌نویسد: می‌بینیم که در سایر رژیم‌ها، زورمندان عقیده و فکر خود را بر نفوس تحمیل می‌کنند و با زور و توسل به شلاق و شمشیر و یا چماق تکفیر و یا قهر کردن و روی گرداندن و ترک آمیزش و...، گزینه‌ی تفکر را در انسان‌ها می‌میرانند؛ اما ساحت مقدس اسلام و یا به عبارت دیگر، ساحت «حق و دین قویم» منزّه از آن است و حتی منزّه از تشریح حکمی است که این روش را تأیید کند (همان، ص ۲۰۷). اساس دین متکی بر حفظ معارف الهی است و در عین حال، به مردم آزادی در طرز تفکر داده است (همان، ص ۱۹۹)؛ بنابراین، آزاداندیشی باعث می‌شود که اگر فردی علت رفتار یا اندیشه‌ای را فهمید، آن را می‌پذیرد و اگر نفهمد، فوراً آن را رد نمی‌کند و برای فهمیدن دلیل و فلسفه‌ی آن، به بحث و تدبر می‌پردازد و پس از فهمیدن، بدون رد و اعتراض آن را می‌پذیرد (همان، ج ۳، ص ۵۷۴).

۶-۳-۱- روش تربیتی: گفتگوی مسالمت‌آمیز

گفتگو پیش‌شرط تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ زیرا گفت‌وگو مستلزم گشودن فضایی برای دیگری و پذیرفتن اوست و آنگاه که گفت‌وگوی انسان‌ها مدنظر باشد، به‌تناسب، محتاج گشودن فضایی برای دیگران و پذیرش آنان خواهد بود. گفت‌وگو رابطه‌ای است که دیگری در مرکز آن قرار می‌گیرد؛ نه در حاشیه. ازجمله نمونه‌های گفتگوی مسالمت‌آمیز در قرآن کریم، تمثیل گفتگوی حضرت ابراهیم^(ع) با بت‌پرستان و نیز مُرود برای اثبات عقیده‌ی باطل آنان است (همان، ج ۷، ص ۳۰۰-۳۰۱).

استفاده از مجادله‌ی نیکو یکی از مواردی است که در گفتگوی مسالمت‌آمیز باید به آن توجه شود. مجادله وقتی نیکو به‌شمار می‌رود که با درشت‌خویی و طعنه و اهانت همراه نباشد و دیگر اینکه شخص مجادله‌کننده از نظر فکر به طرفش نزدیک باشد؛ به این معنا که هر دو به روشن شدن حق علاقه‌مند باشند و درنتیجه، هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند و لجاجت و عناد به خرج ندهند؛ پس هنگامی که این شرط با شرط اول جمع شد، حسن و نیکویی مجادله دو برابر می‌شود، آن‌وقت است که می‌توان گفت این مجادله بهترین مجادله‌ها است (همان، ج ۱۶، ص ۲۰۵)؛ بنابراین، توصیه به گفتگوی مسالمت‌آمیز یکی از روش‌هایی است که از سویی می‌تواند به تفکر آزادانه‌ی متربیان کمک کند؛ زیرا فرد در یک فضای آزاد و بدون فشار روانی و تعصب قادر خواهد بود تصمیم بگیرد و از سوی دیگر، به افراد در یادگیری برای باهم زیستن و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک می‌کند.

۶-۴- هدف تربیتی: پرورش سعه‌ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها

این هدف تربیتی از مبنای «وجود تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها» قیاس شده است و به‌منظور نزدیک کردن اقوام و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متنوع استفاده می‌شود تا به شکل‌گیری، تثبیت و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه بپردازد. تا زمانی که افراد از یکدیگر فاصله بگیرند و تحمل شنیدن دیدگاهی جز دیدگاه خود را نداشته باشند، قادر نیستند فراتر از چهارچوب اطلاعات و تجارب خود بیندیشند و یا به تجزیه‌وتحلیل بی‌طرفانه‌ی آرای دیگران بپردازند؛ بنابراین، جز با درک متقابل یکدیگر، نمی‌توانند روابط مسالمت‌آمیز و یکپارچه‌ای داشته باشند.

منظور علامه از سعه‌ی صدر در این هدف، پذیرش هر سخن حق با داشتن بصیرت نسبت به آن است؛ یعنی فرد هر سخنی را به‌خوبی بشنود و اگر حق بود، بپذیرد (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۷).

این مفهوم از سعه‌ی صدر دربرگیرنده‌ی این معنا است که متربی در برابر آرای دیگران قدرت تحمل داشته باشد و نظرات مخالف را بشنود؛ زیرا تا وقتی چنین روحیه‌ای در او نباشد، تحمل کافی برای شنیدن انبوه اندیشه‌ها و رفتارهای موجود در جامعه را ندارد؛ پس نمی‌تواند حق را از میان آن‌ها بیابد؛ اما اگر بصیرت هم نداشته باشد، شنیدن آرای دیگران نه‌تنها به او کمکی نمی‌کند، بلکه ممکن است او را تحت تأثیر اندیشه‌های انحرافی قرار دهد و از مسیر حق خارج نماید؛ بنابراین، متربیان باید توجه داشته باشند که سعه‌ی صدر به معنای پذیرش نیست و همچنین آنگاه که ملاحظه شود اصحاب یک اندیشه یا رفتار با اندیشه‌ها و رفتارشان، به دنبال آسیب رساندن به

ارزش‌های اسلامی هستند، دیگر سعه‌ی صدر به معنای شنیدن آرا و احترام به آنان مدنظر نیست و تجویز اسلام در این موقعیت، مبارزه با این اندیشه‌ها، عقاید و رفتارهای خصمانه است.

۴-۴-۱- روش تربیتی: روش مواجهه‌ی متناسب با استعدادهای متفاوت

در محیط‌های آموزشی، استفاده از روش مواجهه‌ی متناسب با استعدادهای متفاوت می‌تواند به شکوفایی استعدادها و شایستگی‌های ذاتی اشخاص به‌صورت تک‌تک و هم‌زمان کمک کند (یونسکو، ۱۹۹۶، ص ۸۴) و بر همین اساس است که یونسکو تأکید می‌کند، دولت مشخصاً باید آموزش را به نفع اقلیت‌ها (قومی، نژادی، مذهبی و...) و به‌ویژه محرومان ترویج دهد (همان، ص ۱۸۴). از نظر علامه، در کنار وظایف اجتماعی عمومی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های فردی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد و به‌جای فشار آوردن بر افراد برای یکدست کردن ویژگی‌ها، تلاش شود که هرکس در ظرف وجودی خویش رشد کند و به کمال شایسته‌ی خود دست یابد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۷۰).

۴-۵- هدف تربیتی: پرورش روحیه‌ی پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز

این هدف تربیتی از مبنای انسان‌شناسی «گرایش فطری انسان‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز» استنتاج شده است. مفهوم «اصلاح ذات‌بین» که قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی انفال صراحتاً به آن توصیه می‌کند، از جمله مفاهیمی است که در تفسیر المیزان، ناظر بر هدف تربیتی «پرورش روحیه پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز» است. به عقیده‌ی علامه، هرگاه روابط میان دو دسته از مسلمانان به تیرگی گرایید، بر دیگر مسلمانان واجب است که به اصلاح این روابط اقدام کنند و صلح را میان آنان برقرار سازند (همان، ج ۹، ص ۶ و ج ۱۸، ص ۴۷۰)؛ پس مسلمانان نه‌تنها به حسن معاشرت توصیه شده‌اند، بلکه در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز نیز باید پیش‌قدم باشند و از این وضعیت استقبال کنند. مشی اسلام و مسلمانان و هدف آنان همواره گرایش به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و استقبال از این وضعیت بوده است، مگر آنکه گروه مقابل ضرر و زیانی برای جامعه‌ی مسلمین داشته باشند که در آن صورت، تجویز اسلام دفاع و مبارزه با کسانی است که قصد تجاوز دارند. بر همین اساس، در امر مهم تعلیم و تربیت نیز مریبان می‌توانند این هدف تربیتی را به‌منظور پرورش روحیه‌ی استقبال از همزیستی مسالمت‌آمیز مدنظر اسلام مطرح نظر داشته باشند.

۴-۵-۱- روش تربیتی: توصیه به مدارا با دیگران

جایگاه مدارا در آموزه‌های اسلام آن‌چنان پررنگ است که از یک‌سو، خداوند خود در مواجهه با بندگان و تشریح عبادات، با مدارا با آنان برخورد می‌کند (همان، ج ۴، ص ۲۵۱) و از سوی دیگر، پیامبر اکرم نیز فرموده‌اند: پروردگار مرا به مدارا با مردم فرمان داد، همان‌گونه که به انجام واجب‌ها فرمانم داده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ پس با این فرمایش پیامبر اکرم به‌راحتی می‌توان مدارا مدار بودن اسلام را استنتاج کرد. نکته‌ی مهمی که در مبحث مدارا در قرآن باید بدان توجه شود این است که مدارا باید در قامتی فعالانه نمایان شود؛ نه منفعلانه. منظور آنکه مدارا باید باهدف اصلاح طرف مقابل و تعالی و رشد او و نیز هدایت طرف مقابل به‌سوی حق صورت گیرد؛ نه آنکه صرفاً برای دستیابی به آرامش باشد. علامه در جای دیگری در همین‌باره می‌نویسد:

خدای سبحان آن جناب (پیامبر اکرم) را دستور می‌دهد برای اینکه زیر بار سنگین رسالت از پای درنیاید، طریق رفیق و مدارا را پیش بگیرد و به‌سوی هدف به‌تدریج قدم بردارد تا هم دعوتش بهتر پیش برود و هم مردمی که آنان را دعوت می‌کند، پذیراتر شوند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۴۷)؛ پس می‌بینیم که اسلام و مسلمانان مدارا با دیگران را علاوه بر تأثیری که در همزیستی مسالمت‌آمیز دارد، برای اصلاح طرف مقابلشان نیز می‌خواهند که این هدف ارزشمندی مدارا به‌عنوان یک روش تربیتی در آیین اسلام را مضاعف می‌کند.

۶-۶- هدف تربیتی: پرورش توانایی تعقل و قضاوت با معیار عقل مبتنی بر شرع

«برخوردراری از توانایی تعقل و قضاوت» یکی از مبانی مهم انسان‌شناختی است که مبنای این هدف تربیتی است. در این هدف تربیتی تلاش می‌شود، متری هنگام برقراری روابط توأم با همزیستی مسالمت‌آمیز، در برخورد با آرا و اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت منفعلاً نباشد و به‌صورت فعال به اعتبارسنجی ارزش‌های آشکار یا پنهان حاکم بر آن اندیشه‌ها و رفتارها پردازد و در پذیرش یا رد آن رفتارها و اندیشه‌ها، از ملاک «عقل مبتنی بر شرع» استفاده کند.

صاحب‌المیزان در تفسیر آیه‌ی «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳)، پس از اینکه می‌نویسد دأب و رسم قرآن بر ذکر علل و اسباب تعلیماتش است و از اطاعت و تقلید کورکورانه و بدون علت نهی می‌کند، به این نکته مهم اشاره می‌کند: البته این عقل‌ورزی چهارچوبی دارد. خدای تعالی بندگان را امر فرموده که هیچ سخنی را نپذیرند و هیچ امری را اطاعت نکنند، مگر پس از آنکه وجه آن سخن و فلسفه‌ی آن اطاعت را فهمیده باشند و آنگاه از این دستور کلی، دو مورد را استثنا می‌کند و دستور می‌دهد که نسبت به خود او و پیامبرش، رسول خدا^(ص)، تسلیم مطلق باشند و همین دستور خود را هم توجیه می‌فرماید به اینکه خدای تعالی تنها کسی است که مالک علی‌الاطلاق ایشان است و پیروی بی‌چون‌وچرا از رسول خدا را نیز این‌طور توجیه می‌کند که چون رسول خدا^(ص) از پیش خود، چیزی نمی‌گوید و دستوری نمی‌دهد، آنچه می‌گوید ابلاغ دستورهای خداست؛ پس در حقیقت، این دو مورد هم استثنا نشده‌اند؛ زیرا خود این دو دستور و یا به‌عبارت دیگر، آن دو اطاعت بی‌چون‌وچرا را هم توجیه کرده و برایش دلیل آورده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۷۲).

درباره‌ی اهمیت ابتدای عقل بر شرع، در شرایطی که ملاک تشخیص ارزش‌ها، عقل با معنی رایج آن (عقلی که ضرورتاً مبتنی بر شرع نیست) باشد، علامه معتقد است، اگرچه عقل در بسیاری از موارد می‌تواند به تشخیص‌های درست دست یابد، در جایی که فرد قدرت یا فرصتی برای تخلف بیابد، او را از این امر نهی می‌کند و حتی گاه برای آن به عذرتراشی می‌پردازد؛ یعنی اگر مانعی در برابر عقل نباشد، از قانون‌شکنی ابایی ندارد (همان، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۹۲)؛ بنابراین، عقل آنگاه که مبتنی بر شرع و رضایت پروردگار باشد، در برابر موانع دنیوی متزلزل نخواهد بود و می‌توان به تشخیص‌های آن اعتماد کرد؛ زیرا مستظهر به شرع است و انگیزه‌ی الهی آن، اجازة‌ی انحراف را به عقل نخواهد داد.

۶-۶-۱- روش تربیتی: پرهیز از تعصب و افراطی‌گری

پدیده‌ی افراطی‌گری را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه دانست که مستلزم بی‌توجهی و بی‌احترامی به عقاید دیگران است. افراط‌گرایی می‌تواند معطوف به نژاد، قوم و قبیله، دین، رنگ، جنس و امثال آن باشد. افراطی‌گری را می‌توان در کنار واژه‌هایی مانند نژادپرستی، تعصب و تکفیر قرار داد و مفهوم مقابل آن را نیز می‌توان اعتدال دانست؛ پس در اینجا منظور از تعصب، غیرت نیست؛ زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام هم دین فطرت است (همان، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۷۴). بلکه منظور از تعصب آن غباری است که جلوی عقل سلیم را می‌گیرد (همان، ج ۳، ص ۴۶۱) و اجازه‌ی تفکر صحیح را از متربیان سلب می‌کند. پرهیز از افراطی‌گری به تعرض نکردن به دیگران اشاره دارد و از مهم‌ترین گام‌ها در همزیستی مسالمت‌آمیز به‌شمار می‌رود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقَامُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). بر اساس این، خداوند هرگونه تصور نژادپرستانه را محکوم می‌کند و همه‌ی انسان‌ها را فرزند یک پدر و مادر می‌شمارد و به‌طور قهری، بدون برتری نژادی، قومی و مذهبی می‌داند و همه را به نفی نژادپرستی توصیه می‌کند؛ زیرا این خودبرتربینی‌ها و افراطی‌گری‌ها در برابر اقوام و نژادها و مذاهب دیگر سبب مشکلات فراوانی برای امنیت و آسایش جامعه‌ی بشری و مانعی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان آن‌ها شده است و نیز به همین علت است که قرآن کریم، فارغ از نژادها و رنگ‌ها و زبان‌ها، همواره خطابش به همه‌ی بشر است و مکرراً از واژه‌هایی چون «یا بنی‌آدم»، «یا ایها الانسان»^۱ و «یا ایها الناس»^۲ استفاده می‌کند.

ازجمله‌ی این تعصبات را میان مذاهب مختلف یک دین می‌توان دید؛ به‌عنوان مثال، پس از رحلت رسول اکرم، همین تعصب و افراطی‌گری در میان مسلمانان باعث شد هر فرقه‌ای درباره‌ی مذهب خود تعصب و حمایت جاهلانه اعمال کند و آن‌همه جنگ‌های خونین و برادرکشی به راه افتد و هر فرقه‌ای فرقه دیگر را مهدورالدم و از حریم دین و مرز اسلام بیرون بداند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۹۵). در ادامه برای باهم نگری، مؤلفه‌های یافته‌های پژوهش شامل مبانی انسان‌شناسی، اهداف تربیتی و روش‌های تربیتی، در جدول زیر بیان می‌شود (جدول شماره ۲).

۱- ازجمله آیات ۲۶، ۲۷ و ۳۱ و ۳۵ سوره‌ی اعراف و آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی یس.

۲- آیه‌ی ۶ سوره‌ی انشقاق.

۳- ازجمله آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی لقمان و آیه‌ی ۵ فاطر و آیه‌ی ۲۳ یونس.

روش‌های تربیتی	اهداف تربیتی	مبانی انسان‌شناسی
۱. پرهیز از طرد اجتماعی دیگران ۲. توصیه به همدلی و همدردی با دیگران	کسب شایستگی حضور در اجتماع	مدنی بالطبع بودن انسان
رعایت حقوق انسانی همه‌ی گروه‌ها و طبقات گفتگوی مسالمت‌آمیز	تحقق عدالت تربیتی تحقق آزاداندیشی و پذیرش آزادانه اندیشه‌ها	برابری انسان‌ها در آفرینش آزادی انسان در اندیشیدن و پذیرش اندیشه‌ها
مواجهه‌ی متناسب با استعدادهای متفاوت	پرورش سعه‌ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها	وجود تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها
توصیه به مدارا با دیگران	پرورش روحیه‌ی پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز	گرایش فطری انسان‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز
پرهیز از تعصب و افراطی‌گری	پرورش توانایی تعقل و قضاوت با معیار عقل مبتنی بر شرع	برخورداری از توانایی تعقل و قضاوت

جدول شماره ۲. مبانی انسان‌شناسی، اهداف و روش‌های تربیتی آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز

در پایان، به‌منظور درک بهتر روابط میان دلالت‌های تربیتی مطالعه‌شده، الگوی مفهومی زیر تدوین گردیده است که در آن، ارتباط میان مبانی انسان‌شناسی، اهداف و روش‌های تربیتی نیل به همزیستی مسالمت‌آمیز مشخص شده است. در این الگو، مبانی انسان‌شناسی به‌عنوان پایه‌های الگوی مفهومی در لایه‌ی زیرین قرار گرفته است؛ اهداف در لایه‌ی بالاتر بر مبانی مبتنی هستند و درنهایت، در لایه‌ی سوم روش‌های تربیتی آمده‌اند که بر اهداف مبتنی و شامل گزاره‌های تجویزی جزئی هستند که مریبان برای آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز از آن‌ها استفاده می‌کنند.

روش های تربیتی اهداف تربیتی مبانی انسان شناسی	۱. پرهیز از طرد اجتماعی دیگران	۲. توصیه به همدلی و همدردی با دیگران	رعایت حقوق انسانی همه گروه ها و طبقات	گفتگوی مسالمت آمیز	مواجهه متناسب با استعدادها و تفاوت	توصیه به مدارا با دیگران	پرهیز از تعصب و افراطی گری
	کسب شایستگی حضور در اجتماع		تحقق عدالت تربیتی	تحقق آزاداندیشی و پذیرش آزادانه اندیشه ها	پرورش سعه صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت ها	پرورش روحیه پذیرش همزیستی مسالمت آمیز	پرورش توانایی تعقل و قضاوت با معیار عقل مبتنی بر شرع
	مدنی بالطبع بودن انسان		برابری انسان ها در آفرینش	آزادی انسان در اندیشیدن و پذیرش اندیشه ها	وجود تفاوت های فردی میان انسان ها	گرایش فطری انسان ها به همزیستی مسالمت آمیز	برخورداری از توانایی تعقل و قضاوت

مودار ۱. الگوی مفهومی همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی

نتیجه گیری

آموزه های اسلام و به ویژه قرآن کریم و تفسیر المیزان، ضمن تحفظ بر اصول و بنیادهای فکری خود، به سبب توجه به انسان و زندگی اجتماعی او، همواره مدافع و بلکه ترویج دهنده همزیستی مسالمت آمیز بوده است. پژوهش حاضر در این رابطه تلاش کرد با احصاء و بررسی مبانی، اهداف و روش های همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه علامه طباطبایی و به ویژه تفسیر المیزان به عنوان یک تفسیر جامع که به جنبه های اجتماعی زندگی انسان توجه کرده است، پردازد. هریک از اهداف تربیتی از یکی از مبانی انسان شناسی به صورت قیاس نظری استنتاج شد. پس از آن، از هر هدف یک روش تربیتی به روش قیاس عملی استنتاج گردید. در نهایت، این مبانی، اهداف و روش ها در ارتباط با همدیگر در قالب یک الگوی مفهومی تنظیم شد. این الگوی مفهومی که شامل شش مبانی انسان شناسی، شش هدف تربیتی و هفت روش تربیتی برای آموزش همزیستی مسالمت آمیز است، می تواند راهنمای مریبان برای برقراری همزیستی مسالمت آمیز در محیط های آموزشی و تربیتی باشد.

همچنین ضمن بررسی پیشینه پژوهش، در ارتباط با یافته های پژوهش پیش رو مشاهده شد که در برخی پژوهش های گذشته می توان رد پای اهداف تربیتی را دید که از جمله آن ها پژوهش (صادق زاده، ۱۳۸۸) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) و هاشمی

(۱۳۸۸) هستند که در سند تحول از اهداف تربیتی برای ساحت‌های مختلف تربیتی نام برده شده است و در پژوهش صادق‌زاده نیز به اهداف تربیتی پرداخته شده است. در این دو پژوهش نیز تنها تعداد بسیار اندکی از اهداف به موضوع پژوهش پیش رو مرتبط بودند که از آن‌ها برای اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز الهام گرفته شد. در رساله‌ی دکتری هاشمی (۱۳۸۸) نیز همزیستی مسالمت‌آمیز، خود یک هدف تربیتی در فرایند تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است و به صورت مشخص اهدافی برای این مفهوم مدنظر پژوهشگر نیست؛ همچنین گفتنی است که پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوانی نیز به روش استنتاج دلالت‌های تربیتی (از جمله اهداف، اصول و روش‌های تربیتی) تنظیم شده‌اند که با مراجعه به منابع مختلف تربیتی از جمله قرآن کریم، احادیث و روایات و آرای فیلسوفان مختلف، به استنتاج این دلالت‌ها پرداخته‌اند که برای این پژوهش الهام‌بخش بودند و از روش‌شناسی آن‌ها استفاده گردید؛ اما به سبب ارتباط نداشتن موضوع آن پژوهش‌ها با پژوهش حاضر، از ذکر آن‌ها در پیشینه و ادبیات نظری چشم‌پوشی شد؛ بنابراین، تفاوت عمده‌ی این پژوهش از یک سو، تمرکز است که روی الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز دارد و از سوی دیگر، استنتاج این اهداف و روش‌ها بر تفسیر المیزان و به ویژه ابتنای آن‌ها بر مبانی انسان‌شناسی علامه طباطبایی است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی و تربیتی پیشنهاد می‌شود، از نتایج این پژوهش برای توسعه‌ی فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه و محیط‌های آموزشی بهره‌برند. این بهره‌برداری می‌تواند شامل تنظیم یک درس عملی برای تمرین همزیستی مسالمت‌آمیز در محیط‌های آموزشی باشد. در پایان، برای تکمیل نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد، پژوهش‌هایی درباره‌ی مطالعه و بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان غربی یا از دیدگاه منابع اسلامی مانند احادیث و روایات انجام شود. علاوه بر این، مطالعه‌ی تطبیقی اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز در آموزش و پرورش کشورهای مختلف و نیز تحلیل محتوای متون مختلف آموزشی در دوره‌های مختلف تحصیلی به منظور میزان توجه آن‌ها به اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز سبب تکمیل نتایج این پژوهش‌ها می‌گردد؛ همچنین محدودیت‌هایی نیز در اجرای پژوهش پیش آمد که مهم‌ترین آن‌ها این بود که در برخی از دلالت‌های تربیتی (اهداف و روش‌های تربیتی)، هنگام بررسی آن‌ها در بستر مبانی انسان‌شناسی، در تفسیر المیزان استنادات لازم یافت نشدند؛ بنابراین، بعضی از دلالت‌های استخراج شد، حذف گردیدند.

منابع

• قرآن کریم.

- امیری، سروش؛ «نسبت قرآن و نهج البلاغه با صلح و همزیستی»؛ پژوهش‌های نهج البلاغه، سال ۱۷، شماره ۵۸، ۱۳۹۷ ش.
- باقری، خسرو؛ هویت علم دینی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- _____؛ رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش.
- حاجی‌زاده، هانیه و کرمی، مرتضی؛ «تحلیل برنامه‌ی درسی قصدشده و اجراشده‌ی دوره‌ی راهنمایی بر اساس مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو»؛ پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال ۱۱، شماره ۱۵، ۱۳۹۳ ش.
- دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ مبنای نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات وزارت آموزش‌وپرورش، ۱۳۹۰ ش.
- رضوان‌خواه، سلمان؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر؛ فرمبینی فراهانی، محسن؛ «مبنای ارزش‌شناختی آموزش همزیستی برای بهبود نظام آموزش‌وپرورش ایران با توجه به مطالعات تطبیقی»؛ راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۲، شماره ۶، ۱۳۹۸ ش.
- ساروخانی، باقر؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- صادق‌زاده، علیرضا؛ طرح تدوین سند ملی آموزش‌وپرورش، گزارش تلفیق نتایج نظری (فلسفه تربیت)؛ ویراست ۱۱، تهران: وزارت آموزش‌وپرورش، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- _____؛ تعالیم اسلام؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
- فتحی و اجارگاه، کوروش و اسلامی معصومه؛ «بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و معلمان دوره‌ی ابتدایی شهر تهران»؛ نوآوری‌های پژوهشی، سال ۷، شماره ۲۵، ۱۳۸۷ ش.
- فلاح‌نوده‌ی، معصومه؛ «بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۸۵)»؛ سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران، اهداف کلی آموزش‌وپرورش ایران، اهداف دوره‌ی متوسطه»؛ دانش‌ور رفتار، سال ۱۶، شماره ۳۶، ۱۳۸۸ ش.
- فوزی، یحیی؛ «بنیان‌های صلح و همزیستی در اندیشه اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی^(ع)»؛ اندیشه‌ی سیاسی، سال ۱۱، شماره ۱۱، ۱۳۹۶ ش.
- کلینی، یعقوب؛ اصول کافی؛ ترجمه‌ی علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتاب اسلامی، ۱۳۸۸ ق.
- گال، مردیت و دیگران؛ روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی؛ جلد ۲، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶ ش.
- مطهری، مرتضی؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

- هاشمی، سید جلال؛ «بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه‌ی هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران»؛ پایان‌نامه‌ی دکتری، دکتر مسعود صفایی‌مقدم، رشته‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۸ ش.
- یونسکو؛ یادگیری گنج درون (گزارش رسیده از کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم به یونسکو)؛ ترجمه‌ی دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی؛ تهران: تزکیه، ۱۳۷۶ ش.
- [Andrades-Moya, Jonathan; Castrillón-Correa, Elsa M; Pérez-Álvarez, Eugenio O. Philominraj, Andrew\(2020\). Family\(ies\) in Studies about School Coexistence in Chile: A Systematic Review. Journal of Education and Learning \(EduLearn\), v14 n3 p424- 433.](#)
- [Cerdea, Gamal A.; Salazar, Yasna S.; Guzmán, Cristian E.; Narváez, Gabriela\(2018\). Impact of the School Coexistence on Academic Performance According to Perception of Typically Developing and Special Educational Needs Students. Journal of Educational Psychology- Propósitos y Representaciones, v6 n1 p275- 300.](#)
- [Grau, Roser; García-Raga, Laura. Lopez-Martin, Ramon \(2016\). Towards School Transformation. Evaluation of a Coexistence Program from the Voice of Students and Teachers. Journal of New Approaches in Educational Research, v5 n2 p137- 146.](#)
- [Grau, Roser; García-Raga, Laura. \(2017\). Learning to Live Together: A Challenge for Schools Located in Contexts of Social Vulnerability, Journal of Peace Education, v14 n2 p137- 154.](#)
- [Stone, P. \(1996\). The General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis. Cambridge: Viking.](#)

